خبر

دیالوگ‌های «حوض نقاشی» در رادیو شنیده می‌شوند

رادیو صبا در برنامه فرهنگی «به توان هفت» با پخش سکانس‌هایی از فیلم سینمایی «حوض نقاشی» روز جهانی معلولان را گرامی می‌دارد. به توان هفت با شعار «زندگی را به توان هفت برسان» در روزهای پاییزی به ورق زدن دنیای ادبیات و سینما در کنار زندگی می‌پردازد. این برنامه امروز شنبه ۱۲ آذر با موضوع معلولان راهی آنتن می‌شود و با خوانش بخش‌هایی از کتاب «بی‌حد و مرز» تقدیم مخاطبان می‌شود. بی‌حد و مرز کتابی نوشته جیم کوییک درباره سلامت مغز است. کوییک در این کتاب به شما آموزش می‌دهد که چگونه مغزتان را بهبود دهید، همه‌چیز را سریع‌تر یاد بگیرید و بهترین شکل از زندگی خود را بیابید. این برنامه به مناسبت روز معلولان دیالوگ‌هایی از فیلم سینمایی «حوض نقاشی» را تقدیم مخاطبان می‌کند. حوض نقاشی، داستان زندگی و مصائب زوج کم‌توان ذهنی است که در بیمارستان توان‌بخشی باهم آشنا می‌شوند. زوج کم‌توان داستان یعنی رضا (شهاب حسینی) و مریم (نگار جواهریان) هردو در یک کارخانه داروسازی کار می‌کنند. رضا علاوه‌بر کارخانه در یک سوپرمارکت مسئول بردن اجناس به در منزل خریدار است. از داد و هوار صاحبخانه و اجاره عقب‌افتاده‌شان می‌توان فهمید که مشکل مالی دارند. به توان هفت از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود.

بررسی آثار نمایشی تلویزیون با شخصیت‌های کم‌توان

یک قاب از آدم‌های متفاوت

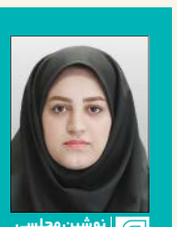

نوشین مجلسی
گروه رسانه

می‌گویند میلیون‌ها نفر در جهان به‌دلیل نقص در سیستم مغزی، جسمی و حسی به نوعی با معلولیت دست و پنجه نرم می‌کنند و جزو افراد توان‌یاب محسوب می‌شوند. امروز در جهان با نام این اشخاص پیوند خورده است. افرادی که تعداد قابل‌توجهی از آنان در کشورمان زندگی می‌کنند. با نگاه رسانه‌ای در این حوزه و البته منحصر به تلویزیون، این رسانه فراگیر می‌توان گفت تعداد آثار نمایشی که توانسته باشد معلول یا توان‌یاب را به‌عنوان فردی مؤثر در اجتماع نشان دهد، نمایشگر دغدغه‌های آنان باشد یا نگاه وسیع‌تری به انواع معلولیت داشته باشد و محدود به چند نوع شناخته‌شده آن همچون نابینایی، ناشنوایی و... نشود، معدود است اما همچنان می‌توان مواردی را برشمرد. برای نمونه سریال رئال و خوش ساخت هزاران چشم که شخصیت اصلی آن یک نابینای فرهیخته بود که در زندگی با همه موانعی که در سطح شهر وجود دارد یا سدهایی که فرهنگ جامعه ممکن است مقابل راهش به‌عنوان معلول قرار دهد، موفقیت داشت. در ادامه با طرح تعدادی از شخصیت‌های معلول که در قصه‌های تلویزیونی به‌یادماندنی شدند نگاه غالب به این شخصیت‌ها را بررسی کردیم.

معلولیتی که محدودیت نبود

یکی از شخصیت‌هایی که تصویری متفاوت از معلول در تلویزیون به نمایش گذاشت، آقای راوندی در سریال «هزاران چشم» به کارگردانی کیانوش عیاری بود که سال‌ها پیش روی آنتن رفت. ایفاگر این نقش مهدی هاشمی، راوندی را شخصیتی صبور و منطقی به تصویر کشید که معلولیت سبب محدودیتش نشده و مثل دیگر شخصیت‌های قصه که هیچ کم‌توانی از نظر جسمانی و روانی ندارند، به فعالیت اجتماعی مشغول بود. او در دفتر یک مجله کار و با وجود نابینایی دو چشمش برای رفت‌وآمد از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کرد. این شخصیت در نشریه شنونده قصه‌های مردمی بود که اغلب با مشکلات مختلف در زندگی‌شان دست و پنجه نرم می‌کردند و از او راهنمایی می‌خواستند. در قسمت‌هایی از سریال، مخاطبان با زندگی راوندی آشنا می‌شوند و درمی‌یافتند او ازدواج کرده، صاحب فرزند است و نسبتا بی‌نیاز از سایرین با شرایط خود کنار آمده است. البته مقابل این روایت، در قسمتی از سریال با زندگی یک معلول دیگر مواجه می‌شدیم. راوندی در قسمتی از سریال شنونده ماجرای پسری معلول به اسم حمید با بازی ناصر شهریاری (که خود هنرمندی دارای معلولیت است) می‌شود. حمید برخلاف راوندی به‌عنوان معلول جسمی-حرکتی که در بیان هم با مشکلاتی روبه‌روست در خانواده و همچنین پذیرش شرایطش چالش‌هایی دارد. شاید بتوان گفت این سریال با نشان دادن دو طیف از افراد معلول، خط بلان بر این باور کشید که همه معلولان در شرایط توانمندی یا ناتوانی کامل به‌سر می‌برند. در حقیقت آنها هم مثل گروه‌های دیگر مردم، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و مبتنی با اوضاع خانواده‌شان، ظرفیت روانی و دیگر بسترهایی که در آن رشد کرده‌اند، دارای تفاوت هستند.

من گمشده‌ام

«دلنوازان» از آن سریال‌های هر شبی بود که با روی آنتن رفتن مخاطبان زیادی را با قصه خود همراه کرد. فرازوفرودهای عاشقانه و چهره‌های تازه در گروه بازیگران برخی جذابیت‌های این سریال در زمان پخش بود. اگر بیننده دلنوازان بودید احتمالا خاطرتان هست موازی با خط اصلی قصه، ماجرای دختر گمشده خانواده با نام ستایش هم پیگیری می‌شد. در نهایت با کش‌وقوس‌های فراوان دختری نابینا که به‌صورت اتفاقی پایش به این خانواده باز شده همان فرزند گمشده از آب درمی‌آید. هر چند این داستانک در کانون توجه قصه نبود اما شخصیت دختر نابینا با بازی زنده‌یاد زهره فکورصبور، جزو شخصیت‌هایی است که به‌دلیل شرایط خاصش در ذهن‌ها مانده است. این شخصیت به‌واسطه سهل‌انگاری در کودکی و با انفجار آبگرمکن چشمانش آسیب‌دیده و بینایی خود را از کف داده بود. زخمی که ممکن است بسیاری در جامعه با آن درگیر باشند. بازیگر این نقش سعی داشت با نگاه‌های خیره و مستقیم و البته بهره بردن از گریم چشم، به واکنش‌های فردی که از کودکی با دیدن بیگانه شده، نزدیک و باورپذیر شود.

عشق به زبان اشاره

سریال «شرایط خاص» را که با بازی بهرام افشاری، کامبیز دیرباز و... سال ۱۳۹۸ روی آنتن رفت، می‌توان ازجمله آثاری تلویزیونی دانست که در قصه آن شخصیت معلول سهم داشت. یکی از شخصیت‌های اصلی سریال شرایط خاص، آسیه دختری ناشنواست که پسری بدون معلولیت دلباخته او می‌شود. سوگل قلاتیان ایفاگر این نقش بود که برای جان‌بخشی آن، زبان اشاره فراگرفت. البته وقتی قصه روی آنتن رفت، تعدادی از ناشنوایان و کم‌شنوایان نسبت به زبان اشاره‌ای که در این سریال استفاده شده بود، نقدهایی مطرح کردند. هرچند می‌توان علاقه‌ای که میان این شخصیت‌ها فارغ از نگاه به کم‌توانی دختر شکل گرفت و همچنین مشغول بودنش به‌عنوان فردی مفید در یک کارخانه را فرهنگسازی تلقی کرد.

حسرت قدم زدن

معلولیت در سریال «روز حسرت» که رمضان سال‌ها پیش از شبکه یک سیما پخش شد، نقش محوری داشت. در قسمت اول سریال، معصومه، نقشی که به‌عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی معرفی می‌شود بر اثر حادثه نخاعش آسیب دیده و مجبور می‌شود تا پایان عمر بر تختی گوشه اتاق روزگار بگذارند. این اتفاق تلخ، سرآغاز دگرگونی زندگی او و اطرافیانش می‌شود. تصویری که از این شخصیت در سریال می‌بینیم، زنی مظلوم و در عین حال منطقی است که به‌واسطه شرایط جسمانی توجهی از سوی همسرش که به‌تازگی با او ازدواج کرده، دریافت نمی‌کند. معصومه می‌میرد و در پایان سریال همسرش که مسبب بسیاری از تلخکامی‌هاست در حادثه‌ای مشابه به حال او دچار می‌شود. او به‌دلیل ضایعه نخاعی مجبور است دست‌کم مدتی را بی‌حرکت زندگی کند. آثار دیگری هم مثل بعضی قسمت‌های سریال «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» یا سرنوشت شخصیت فرزانه در فاز سوم سریال «کیمیا» تشابهاتی را با این نوع نگرش به معلولیت دارند. به همین دلیل گاهی انتقادهایی نسبت به چنین بازنمایی‌ای از دلایل بروز معلولیت و معرفی آن به‌عنوان عقوبت مطرح می‌شود. شاید شما هم در روایت‌ها و نقل‌های سینه به سینه شنیده باشید کسی برای دیگری بد خواسته اما خود به همان حال دچار شده ولی قطعا بیان این‌که بیماری یا دچار شدن به کم‌توانی نوعی عقوبت است، جاافتادن یا دامن‌زدن به نگرشی سطحی و بی‌پایه را منجر می‌شود.

«مشق عشق» در بحران

یکی دیگر از شخصیت‌هایی که به‌عنوان معلول در سریال‌های تلویزیونی به خاطر داریم، امید با نقش‌آفرینی کوروش تهامی در سریال «مشق عشق» است. این سریال به کارگردانی بهرام بهرامیان سال ۱۳۸۶ پخش شد و سعی داشت در دل قصه خود روند دشوار کنار آمدن فرد دارای معلولیت را به تصویر بکشد. امید، والیبالیست قهار و فردی فعال و موثر در اجتماع است که بر اثر سانحه قطع نخاع می‌شود و به ناچار باید تا پایان زندگی روی ویلچر بنشیند. او حاضر نیست شرایط تازه‌اش را بپذیرد، خود را از همه مخفی می‌کند و کنج خانه روزگار می‌گذارند. این نپذیرفتن به‌حدی است که حتی نمی‌تواند رابطه عاشقانه خود و همسرش را حفظ کند و مدام بر این گمان است که هرگونه محبت از سوی خانواده و دوستانش، نوعی ترحم به حساب می‌آید. البته این قصه پایان خوش دارد. امید بالاخره با پیوستن به تیم والیبال نشسته، زندگی‌ای تازه شروع می‌کند و دوباره پذیرای عشق همسرش می‌شود.

«وضعیت سفید» ناصر

همان‌طور که اشاره شد ناصر شهریاری، هنرپیشه‌ای با معلولیت حرکتی و کلامی است. این بازیگر که تجربه کارگردانی و نویسندگی هم دارد؛ در آثار مختلفی همچون سریال «وضعیت سفید» بازی کرده است. نقش ناصر در این سریال گرچه جزو شخصیت‌های محوری نبود اما ارتباط جالبی با شخصیت اصلی یعنی امیرمحمد داشت. او رنگی تازه به شخصیت‌های متنوع این قصه داده بود و آن را به زندگی واقعی که پر از آدم‌هایی با ظاهر و توانایی‌های مختلف است، نزدیک می‌کرد. همچنین این‌که، بازیگری که خود هم کم‌توانی فیزیکی دارد این نقش را بازی می‌کرد، آن را باورپذیرتر کرده بود.

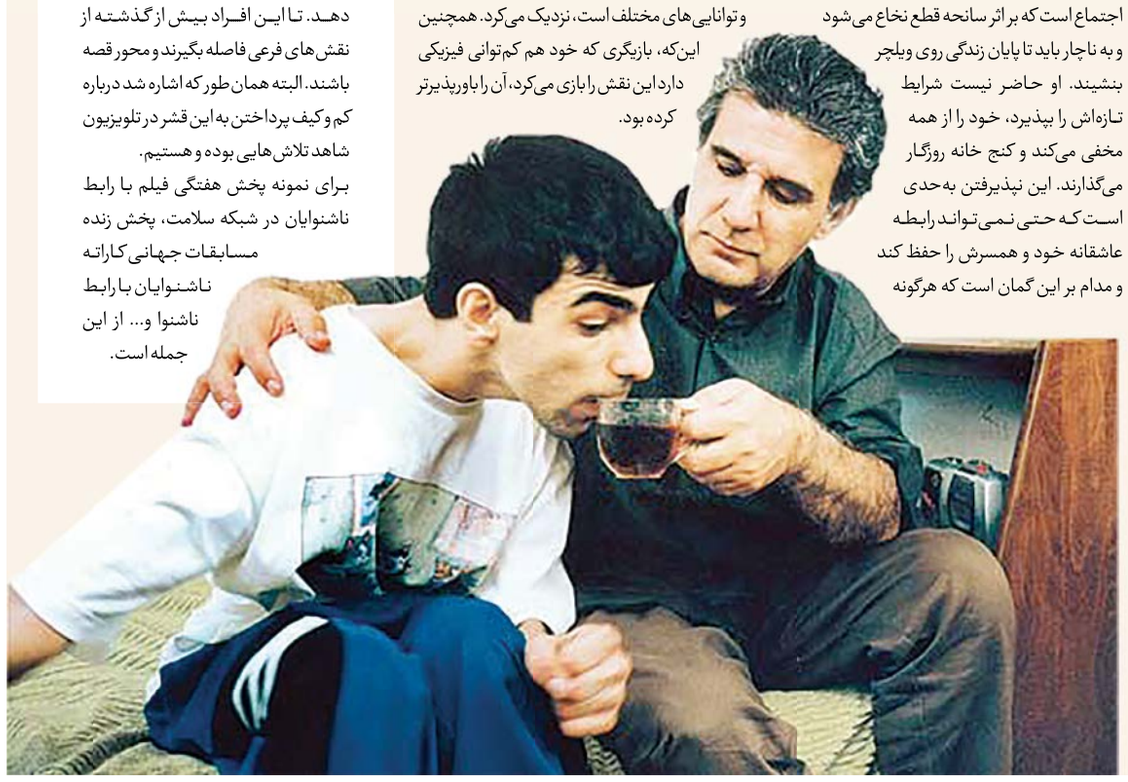

نگاه

ما هم هستیم

کمی کمتر یا بیشتر، گفته می‌شود حدود ۱۲ میلیون نفر در کشور با نوعی معلولیت زندگی می‌کنند. همان‌قدر که صدای عدالت‌خواهی این افراد را در عرصه‌های شهری، اجتماعی و... به گوش‌مان رسیده است، احتمالا شنیده‌ایم که آنها از رسانه هم طلب نگاهی برابر دارند و می‌خواهند ضمن پیگیری مطالبات بحق‌شان، تصویری قریب به واقعیت از آنان ارائه دهد.

بخشی از این مسئولیت به‌عهده فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان و بازیگران است که به دنیای این قشر نزدیک شوند.

این‌که تا چه اندازه به این خواسته در قاب تلویزیون پاسخ درخوری داده شده‌است یا نه، نیازمند بررسی جامع آثار نمایشی و برنامه‌هاست اما با مروری کوتاه می‌شود گفت با وجود تلاش‌هایی که صورت گرفته، همچنان در این زمینه نیازمند ساخت اثر و تزریق رویکردهای تازه هستیم. رویکردهای شفاف و نزدیک به واقعیت جامعه که دغدغه‌ها و مسائل زندگی معلولان را حتی در زندگی روزمره به تصویر بکشد و با بهره‌بردن از مشاوران تخصصی در این حوزه، سهم پررنگ و درخوری در قصه‌های تلویزیونی به آنها اختصاص دهد. تا این افراد بیش از گذشته از نقش‌های فرعی فاصله بگیرند و محور قصه باشند. البته همان‌طور که اشاره شد درباره کم و کیف پرداختن به این قشر در تلویزیون شاهد تلاش‌هایی بوده و هستیم.

برای نمونه پخش هفتگی فیلم با رابط ناشنوایان در شبکه سلامت، پخش زنده مسابقات جهانی کاراته ناشنوایان با رابط ناشنوا و... از این جمله است.

یادداشت

به بهانه بازپخش «از یاد رفته» از شبکه آی‌فیلم

شکوه عشق و زندگی در روستا

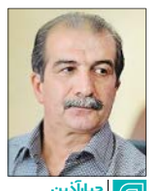

جبار آذین
منتقد و مدرس

بازپخش مجموعه تلویزیونی «از یاد رفته» ساخته فریدون حسن‌پور با بازی‌های به‌یادماندنی محمدرضا فروتن و سپیده خداوردی که یک درام جذاب عاشقانه خانوادگی و اجتماعی است و در زمان‌های پخش نخست و بازپخش مجدد با استقبال زیاد مخاطب روبه‌رو شد، این شب‌ها هم علاقه‌مندان سریال‌های خانوادگی به‌ویژه روستاییان عزیز کشور را با خود همراه کرده است. دلایل موفقیت اجتماعی این سریال بومی و ملی، پردازش داستانی جذاب و گیرا در بطن زندگی و فرهنگ و آداب روستایی، کارگردانی هدفمند و حرفه‌ای، فضاسازی‌ها و طراحی‌های مناسب صحنه‌ها، بهره‌گیری خوب از آیین‌ها و سنت‌های بومی و محلی، وفاداری به باورها و آموزه‌ها و یادمان‌های دینی و ملی و بازی‌های تماشایی است. از دیرباز توجه به زندگی و مناسبات و رخدادهای تاریخی و اجتماعی و شخصیت‌های روستایی و حال‌وهوا و صفا و سلامت و صداقت جاری در روستاها مد نظرهنرمندان سینما و تلویزیون و تئاتر بوده و تاریخ تولیدات سینمایی و تلویزیونی، بخشی از آثار خوب «سینمای روستایی» ایران را در خود جای داده است.

با آن‌که از سال‌های دورونزدیک، رونق شهرها و شهرنشینی، مهاجرت و آسیب‌های طبیعی و اجتماعی وارده به زندگی و فرهنگ روستایی و جذابیت‌های تمدن‌شهری، سبب شد که به‌ندرت فیلم‌های خوب روستایی در سینما ساخته شود اما روند تولید سریال‌های روستایی، بومی و محلی با محوریت موضوع‌هایی مانند مبارزه روستاییان با ارباب‌ها و مشکلات زندگی و هجمه نمودهای فریبنده زندگی شهری، با افت‌وخیز در تلویزیون ادامه یافت و تعدادی از بهترین سریال‌های روستایی، بومی و ملی در سال‌های بعد از انقلاب در رسانه ملی ساخته شد و از یاد رفته، یکی از آنهاست.

به‌جز آن گروه از سریال‌های خوش‌ساخت، با محتوا، فرهنگ‌محور و ارزشی که تصاویری واقعی، زیبا و امیدوارانه از روستاها ارائه کردند، تعدادی از فیلم و سریال‌ها بیش از نمایش سلامت و صداقت روستا و پاک ایمانی روستاییان، به فقروفلاکت و خشکسالی و ویرانی در روستاها پرداختند که نتوانستند از نظر بینندگان سیما به توفیق رسند.

فیلم‌ها و سریال‌های موفق اجتماعی روستایی آثاری هستند که در ضمن تعریف داستانی جذاب، تلخ‌وشیرین‌های زندگی را با پررنگی امید و فردای نیک، به تصویر کشیدند.

از یاد رفته هم با چیدمان عناصر گزینش‌شده داستانی در قالب فیلمنامه‌ای پر از ماجرا، کشش و کشمکش و عبور شخصیت‌های اصلی قصه از گذرگاه‌های عاطفه و احساس و انسانیت و ملودرام و ساختاردرست هنری، هر دو رخ زندگی روستایی و شهری و اجتماعی را بدون سطحی‌نگری و غلتیدن در دامان شعارگویی و حادثه‌زدگی و سیاه‌نمایی، از امیدها و آرمان‌ها و حضور زنی که مردانه در برابر مشکلات و ناملایمات ایستاده و زندگی پر از امید را برای خود فرزندانش رقم می‌زند، روایت می‌کند. جای تولید و پخش چنین مجموعه‌های مورد پسند مخاطب و تحکیم‌بخش فیلم‌ها و سریال‌ها در عرصه گونه و ژانر «سینما و سیمای روستایی» خالی می‌نماید. امید که سریال آماده پخش «گیل دخت» و... بتوانند در این زمینه پاسخگوی نیاز و استقبال مخاطبان رسانه ملی باشند.

گفت‌وشنود

پرهیز از منفی‌بافی با «بالان»

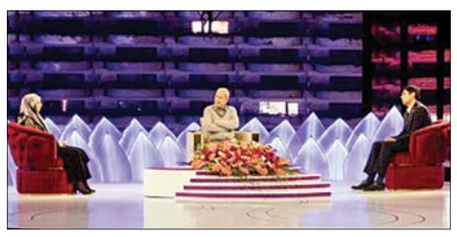

برنامه گفت‌وگومحور «بالان» تولید جدید گروه خانواده شبکه دوی سیماست که با هدف ایجاد انگیزه و امید دوشنبه‌شب‌ها ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه روی آنتن می‌رود. وحید رستگار، تهیه‌کننده بالان درباره القای امید در این برنامه خاطرنشان کرد: ما امید را در همه مشاغل جامعه در برنامه بالان بررسی می‌کنیم. از بیماری گرفته تا ورشکستگی‌های شغلی و هر اتفاق تلخی که در زندگی افراد افتاده و با امید به خودشان کمک کردند. برنامه ما بیشتر، از بیمارانی که مدت زیادی با سرطان مبارزه کرده و آن را شکست داده‌اند صحبت می‌کند و در این زمینه سراغ زندگی فردی افراد می‌رویم.

رستگار با تاکید بر لزوم امیدبخشی در همه جوامع گفت: بحث امید در هر جامعه‌ای نیاز است؛ چه جامعه‌ای که حالش خوب باشد و چه جامعه‌ای که حالش بد باشد. ما سعی کردیم در برنامه بالان به‌طور جد از منفی‌بافی پرهیز کنیم و فقط به بینندگان‌مان امید بدهیم؛ آن‌هم با افراد واقعی که مسیرهای سختی را در زندگی‌شان طی کرده‌اند نه با شعار. ورزشکاری که شکست خورده، فردی که با مدرک دکترا در تاکسی اینترنتی مشغول به کار شده است، معلولی که دو دست ندارد اما نقاش فوق‌العاده‌ای است و کسانی که همچنان روزنه امید در وجودشان زنده است.

وی در پاسخ به این پرسش که شبکه تا چه حد دست‌تان را برای پرداخت به سوژه‌های خاص باز گذاشت و آیا محدودیتی هم داشتید؟ بیان کرد: برنامه بالان از ابتدای سال ۱۴۰۱ شروع و تا الان دو سری از آن ضبط شده است. سری سوم نیز در حال آماده‌سازی است.

بالان به سبب گفت‌وگومحور بودنش چالش به‌خصوصی به‌غیراز امید نداشته و اگر هم چالشی در برنامه اتفاق افتاده باز به بحث امید برمی‌گردد نه به معنای خاص چالش. خدا را شکر شبکه دو هم نظر مساعدی نسبت به مهمان‌های ما داشت و هم این‌که طی این مدت کاملا با ما همراه بود و مشکل خاصی نداشتیم.

زادروز

مجری جشن رمضان ۵۹ ساله شد

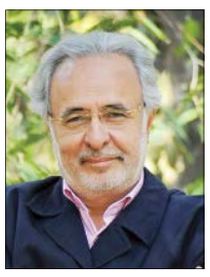

سید کاظم احمدزاده، یکی از مجریان و تهیه‌کنندگان تلویزیون است که امروز ۵۹ساله می‌شود. مجری‌ای که از سال ۱۳۷۵ وارد صداوسیما شد و با اجرای مسابقه بزرگ و جشن رمضان به شهرت رسید. احمدزاده در مناسبت‌های مختلف مذهبی اجرای برنامه‌های پرمخاطبی را برعهده داشته است ازجمله برنامه‌های دوستت دارم مادر، دوستت دارم پدر، شهر عزیز، مغناطیس و آدم‌های خوب شهر که در ماه رمضان از شبکه دو پخش شد. او که سال‌ها مجری ثابت برنامه «جشن‌رمضان» شبکه پنج بود، بارها در گفت‌وگوهایش از تعلق خاطری که به این برنامه دارد سخن گفته است. احمدزاده با نوع اجرایی که دارد، به‌خصوص در برنامه‌های مناسبتی و مذهبی به یکی از چهره‌های محبوب مخاطبان رسانه ملی تبدیل شده است. وی در گفت‌وگویی درباره خط‌کشی مجریان برنامه‌های مذهبی عنوان کرده بود که این خط‌کشی‌ها باعث شده تا مخاطب تصور کند مجری اجتماعی و طنز فقط باید سرگرمی ایجاد کند و مجری معارفی نباید حتی لبخند بزند! درحالی‌که دین ما اجتماعی است چون برای همه ابعاد زندگی ما حرف دارد.

اختتامیه

برگزاری آیین پایانی مسابقه «اسراء»

آیین اختتامیه یازدهمین دوره مسابقات قرآنی برنامه «اسراء» به تولید گروه تلاوت و نغمات قرآنی شبکه در سازمان صداوسیما برگزار شد.

در این آیین اختتامیه، کارشناسان و داوران دوره یازدهم آقایان مهدی غلام‌نژاد و حامد ولی‌زاده حضور داشتند و سیدجواد حسینی هم مهمان تلفنی برنامه بود. در این مراسم همچنین مهمانان ویژه همچون سیدغفور سلیمی، قائم‌مقام معاون سیما و حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمصطفی مجیدی، مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان قزوین حاضر بودند. در انتهای این مراسم به سه نفر برگزیده هر رشته جوایزی به همراه لوح تقدیر اهدا شد. در رشته تقلیدی استاد مصطفی اسماعیل آقایان علیرضا حاجی‌زاده، امیرحسین باقری و محمدامین کهن، در رشته تقلیدی استاد منشاوی آقایان ابوالفضل نبی‌لو، محمدرضا هزاره و امیررضا مهرداد و در رشته تقلیدی عبدالباسط آقایان محمدجواد توکلی، محمدحسین اقبالی و محمدرضا بیگ‌محمدی مقام اول تا سوم را کسب کردند. دوره یازدهم مسابقه اسراء از اسفند ۱۴۰۰ ویژه نوجوانان روی آنتن رفت. دوره دوازدهم اسراء با ساختاری متفاوت تا پایان امسال تولید و پخش خواهد شد.

خاطرات کاغذی

واتو واتو

مریم فلاح: «پرنده‌ای سریع، خارق‌العاده، اعجاب‌انگیز، موجودی جالب‌توجه، قهرمانی به نام واتو واتو.» تیتراژ کارتون با نریشن پرهیجان اصغر افضلی و صد البته موسیقی فوق‌العاده شنیدنی‌اش، بچه‌ها را برای تماشا سر ذوق می‌آورد. یک پرنده سیاه وسفید تخم مرغی شکل، با دمی درازبه نام «واتوواتو» که هنگام وقوع حوادث و بلایای طبیعی سر و کله‌اش پیدا می‌شد. واتوواتو از سیاره مکعبی شکلی به نام «آگوست»، به سرزمینی آمده بود که ساکنینش حیوانات کله‌غازی به نام «سواز» بودند. محیط زندگی آنها شهرهایی شبیه به فضای زندگی شهرنشینی انسان‌ها بود. سوازها واجد ویژگی‌های اغراق‌آمیز از رفتارهای انسانی بودند. برخی از آنها سرپرستی حیوانات اهلی به نام کِردو- گربه‌های کروی شکل - و موجودات مشابه آن را برعهده داشتند! منتها به جهت بی‌فکر بودن‌شان، معمولا زندگی آنها را به خطر می‌انداختند.

واتو واتو قدرتی جادویی داشت، درمواقع خطر، با سوت زدن، سه هم‌نژادش را از فضا فرا می‌خواند و آنها در حالی که تکثیر می‌شدند، مانند ستاره‌های دنباله‌دار به طرف او می‌آمدند تا در چالش مورد نظر، به او کمک کنند.

کیوآرکد را اسکن کنید